



The Mediating Role of Marital Intimacy in the Relationship between Attachment Style and Couples' Attitude Towards Infidelity

Ensieh Bakhtiari¹, Saeideh Sadat Hosseini², MokhtarArefi³, Karim Afsharinia⁴

1. PhD Candidate of General Psychology, Dept of Psychology and Counseling, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
2. PhD Candidate of General Psychology, Dept of Psychology and Counseling, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. Saeedeh2h@yahoo.com
3. PhD of Family Counseling, Dept of Psychology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
4. PhD of Counseling, Dept of Psychology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

ABSTRACT

This article is excerpted from the PhD thesis in General Psychology.

Received: 22/02/1398 - Accepted: 30/09/1399

Aim: Intimacy among couples is an important factor in sustainable marriages. If couples' intimacy fades, it will affect their tendency toward extramarital relations. Individuals' style of attachment form during childhood and exert a notable influence on the formation of their marital intimacy during adulthood. Therefore, the goal of the present research was to study the mediating role of marital intimacy in relation between attachment styles and attitude.

Methods: This research is a descriptive-analytic study of correlational type. The statistical population is comprised of all married men and women of Tehran in the Iranian year of 1396. The study's sample was chosen from the population using the convenient sampling method. Data collection tools included Mark Whatley (2006) Q Attitude Toward Transnational Relationships Questionnaire, Collins & Read (1990) Attachment Style Questionnaire, and Thompson and Walker (2002) Marital Intimacy Questionnaire. The total population size of the sample was 650 couples, consisting of 357 women and 293 men. Data analysis was done using the path analysis method and the AMOS statistical software from SPSS company.

Results: Analyzing the correlation coefficients and their standardized values, in addition to the related t-test values, indicated that the direct effect of the anxiety-driven attachment style on marital intimacy is meaningful ($P \leq 0/05$). Furthermore, the indirect effect of marital intimacy on tendency toward infidelity is meaningful ($P \leq 0/05$).

Conclusion: Since marriage and choosing a partner is one of the most important decisions in life, considering the predicting role of unsafe attachment style and the role of marital intimacy in individuals' tendency toward infidelity, the necessity of analyzing these two variables as it applies to premarital counseling and parental training about child education and attachment styles, must be emphasized.

Keywords: Marital intimacy, attachment style, attitude of couples toward infidelity



نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرش به خیانت زناشویی

انسیه بختیاری^۱، سعیده السادات حسینی^۲، مختار عارفی^۳، کریم افشاری نیا^۴

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
۲. نویسنده مسئول، دکتری تخصصی روان‌شناسی، استادیار گروه روان‌شناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. Saeedeh2h@yahoo.com
۳. دکتری تخصصی مشاوره خانواده، استادیار گروه روان‌شناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
۴. دکتری تخصصی روان‌شناسی مشاوره، استادیار گروه روان‌شناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

(صفحات ۱۲۲-۱۴۰)

این مقاله مستخرج از رساله دکتری روان‌شناسی عمومی می‌باشد.

چکیده

هدف: یکی از عوامل مهم در ازدواج پایدار صمیمیت زناشویی زوجین است. در صورتیکه صمیمیت زناشویی زوجین از بین برود بر نگرش آن‌ها به روابط فرازناشویی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این از عوامل مؤثر بر نگرش افراد به روابط فرازناشویی سبک‌های دلبستگی زوجین است. از این‌رو هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرش به خیانت زناشویی در زوجین در شهر تهران بود.

روش: پژوهش حاضر از نوع همبستگی توصیفی بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه مردان و زنان متأهل شهر تهران در سال ۱۳۹۶ تشکیل می‌دادند نمونه پژوهش از جامعه حاضر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارها شامل: پرسشنامه نگرش نسبت به روابط فرازناشویی مارک واتلی (۲۰۰۶)، پرسشنامه سبک‌های دلبستگی کالینز و رید (۱۹۹۰) و پرسشنامه صمیمیت زناشویی تامپسون و والکر (۲۰۰۲) بود. حجم نمونه این پژوهش ۶۵۰ نفر شامل ۳۵۷ زن و ۲۹۳ مرد بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل مسیر و با استفاده از نرم افزار AMOS توسط شرکت SPSS نسخه ۲۰ انجام شد.

یافته‌ها: بررسی ضرایب مسیر و مقادیر استاندارد شده آنها و همچنین کمیت‌های t مربوط به آن‌ها نشان داد که اثر مستقیم سبک دلبستگی اضطرابی بر صمیمیت زناشویی معنادار است ($P \leq 0/05$). همچنین اثر مستقیم صمیمیت زناشویی بر نگرش به خیانت زناشویی معنادار است ($P \leq 0/05$). همچنین اثر غیرمستقیم سبک دلبستگی اضطرابی بر نگرش به خیانت زناشویی معنادار است ($P \leq 0/05$).

نتیجه‌گیری: از آنجایی که ازدواج و انتخاب همسر یکی از تصمیمات مهم زندگی می‌باشد و با توجه به نقش پیش‌بینی‌کننده سبک‌های دلبستگی ناپایمن و نقش صمیمیت زناشویی در نگرش افراد به خیانت زناشویی باید بر لزوم بررسی این دو متغیر در مشاوره‌های پیش از ازدواج و همچنین آموزش والدین در زمینه تربیت کودک و سبک‌های دلبستگی تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: صمیمیت زناشویی، سبک‌های دلبستگی، نگرش به خیانت زناشویی

مقدمه

خانواده اصلی‌ترین هسته‌ی هر جامعه و کانون حفظ سلامت روان و بهداشت روانی است و مبداء بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط و تعاملات بین فردی است. اگر در اعتماد و احساس امنیت خانواده شکافی به وجود آید باعث زخم خوردگی در یکی و یا شاید هر دوی زوجین شود. روابط فرازنشویی اساسی‌ترین جزء رابطه که همان اعتماد است را خدشه‌دار می‌کند، و در نهایت منجر به طلاق بین زوجین می‌گردد (زاندبرگن و براون^۱، ۲۰۱۵). خیانت زنشویی موضوعی است که زوج‌درمانگران به صورت منظم در کارهای بالینی‌شان با آن مواجه می‌شوند و می‌تواند تجربه‌ای گیج‌کننده و دردناک برای همه کسانی باشد که با آن درگیرند، از این رو این مسئله باعث شده است که سیر مطالعات به دنبال کشف ابعاد مختلف شکل‌گیری روابط فرازنشویی و عوامل مؤثر بر آن و ارائه راهکارهایی در جهت ارتقاء سلامت خانواده در ادبیات پژوهشی سرازیر شود.

با توجه به اهمیت نهاد خانواده و کارکردهای متنوع و حیاتی آن و پیچیدگی موضوع خیانت زنشویی عوامل متعددی در شکل‌گیری این عارضه آسیب‌زا نقش دارند. در نتیجه یکی از اهداف اصلی مطالعات درباره علل روابط فرازنشویی، بررسی عواملی است که بر تعاملات بین زوجین تاثیر می‌گذارند. به طور کلی بررسی‌ها نشان می‌دهند که صمیمیت می‌تواند تعاملات بین زوجین را متاثر سازد. یکی از جنبه‌های حیاتی سیستم زنشویی، صمیمیتی است که همسران در رابطه خویش احساس و تجربه می‌کنند (تانیکوچی، فریمن، تیلور و ملکارن^۲، ۲۰۱۶). صمیمیت در روابط زنشویی، به صورت الگوی رفتاری بسیار مهمی مفهوم‌سازی شده است که جنبه‌های عاطفی - هیجانی و اجتماعی نیرومندی دارد و بر پایه پذیرش، رضایت خاطر و عشق شکل می‌گیرد (تن

1. Zandbergen, D. L. Brown, S. G

2. Taniguchi, S. T, Freeman, P. A, Taylor, S, Malcarne, B

هوتن^۱، ۲۰۰۷). صمیمیت یک فرایند تعاملی است و تنها یک تمایل یا آرزو نیست؛ بلکه یک نیاز اساسی و واقعی بوده و مفهوم وسیعی دارد که شامل خودافشایی، رابطه جنسی، نزدیکی هیجانی، بدنی و عقلی است. با از دست رفتن صمیمیت یکی از حلقه‌های پیوند زناشویی از بین می‌رود (باگاروزی^۲، ۲۰۰۸ به نقل از ابوالقاسمی و فتوحی، ۱۳۹۵). براساس نظریه باگاروزی که هسته اصلی صمیمیت زناشویی را مبتنی بر شناخت، درک و پذیرش طرف مقابل، همدلی با احساسات او و قدرشناسی از دیدگاه بی‌همتای وی نسبت به جهان می‌داند، می‌توان گفت عدم احساس برابرو در نتیجه نداشتن رضایت و صمیمیت در روابط زناشویی، احتمالاً تمایل فرد به رابطه فرازناشویی را افزایش می‌دهد (باگاروزی، ۲۰۰۸).

بررسی‌ها نشان می‌دهند یکی از عوامل تاثیرگذار بر صمیمیت در روابط بزرگسالی، سبک‌های دلبستگی و تعارض‌های درونی حل نشده با مراقبان اصلی است که می‌تواند در سایر روابط صمیمانه دوران بزرگسالی نیز نمود یابد (بیرامی، فهیمی، اکبری و امیری، ۱۳۹۱). نظریه دلبستگی بر این اعتقاد است که اگر کودک دلبستگی ناایمن داشته باشد احتمالاً در روابط عاشقانه بزرگسالی خود احساس دلبستگی ناایمن خواهد داشت و منجر به این خواهد شد که شخص زندگی خود را صرف تلاش برای پرکردن خلأ‌هایی نماید که در رابطه با موضوع دلبستگی خود حس می‌کند (پلاتز، ماسون، تاسون^۳، ۲۰۰۵؛ به نقل از نوایی و محمدی آریا، ۱۳۹۴). علاوه بر تاکیدات نظریه دلبستگی، نتایج پژوهش‌های تجربی، ارتباط بین سبک دلبستگی و صمیمیت زناشویی را معنادار می‌دانند. چنان‌چه پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد دارای دلبستگی ایمن تمایل کمتری به رابطه فرازناشویی دارند زیرا آن‌ها در روابط زناشویی خویش احساس راحتی و اطمینان دارند که این احساس به عنوان مانعی برای شروع روابط فرازناشویی عمل خواهد کرد

1. TenHouten. D. W
2. Bagarozzi, A, D
3. Platts, Mason & Tyson

(جینفریو^۱، ۲۰۰۹). همچنین حمیدی (۱۳۸۶) طی پژوهشی نشان داد دانشجویان متاهل با سبک دلبستگی ایمن، از صمیمیت زناشویی بالاتری برخوردارند و میزان صمیمیت زناشویی متاهلینی که از سبک‌های دلبستگی ناایمن برخوردار بودند نیز، به طور معنادار کمتر از افراد دارای سبک دلبستگی ایمن بود. در پژوهشی که توسط فردوسی (۱۳۹۷) انجام شد، بین سبک دلبستگی و نگرش به خیانت زناشویی در زنان متاهل روابط معناداری به دست آمد؛ به گونه‌ای که سبک دلبستگی ناایمن با تعارضات زناشویی رابطه منفی معنادار داشت (فردوسی، ۱۳۹۷). همچنین مطالعات قبلی حاکی از آن است که کیفیت رابطه صمیمی میان زوجین و میزان تخریب ابعاد مختلف آن در نگرش افراد به روابط فرازناشویی عامل مهمی است (مدرسی، زاهدیان و هاشمی محمدآباد، ۱۳۹۲). همچنین احتمال ارتکاب روابط فرازناشویی در زوجین که نسبت به یکدیگر صمیمیت بیشتر داشته و دلبستگی ایمن‌تر دارند کمتر از زوجینی است که دلبستگی ناایمن دارند (کوهن^۲، ۲۰۰۵).

دسترسی‌پذیری و پاسخ‌گویی به نیازهای زوجین رفتارهای قابل اندازه‌گیری و کلیدی در روابط هستند که وضعیت دلبستگی و صمیمیت و بالعکس اضطراب و پریشانی رابطه‌ی زناشویی را به میزان زیادی تعیین می‌کنند. اگر دسترسی‌پذیری و پاسخ‌گویی عاطفی نیازهای زن و شوهر و همدلی در حدی باشد که زوجین نیازهای برآورده شده داشته باشند احتمال داشتن نگرش مثبت به خیانت زناشویی در این رابطه کاهش می‌یابد. این نشان‌دهنده آن است که رفتار دلبستگی در روابط نقش پیشگیری‌کننده‌ای در نگرش مثبت به خیانت دارد و موجب تقویت بنیان خانواده می‌شود (یوممورا، لاجینووا، کوتروکوا و فرالی^۳، ۲۰۱۸). از طرفی یکی دیگر از عوامل پیش‌بینی‌کننده نگرش به خیانت زناشویی کیفیت زناشویی زوجین است که وابسته به عواملی از جمله

1. Jeanfreau, M. M

2. Cohen, A. B

3. Umemua, T. Lacinova, L. Kotrocova, K. Fraley, R.C

صمیمیت و رضایت از رابطه می‌باشد. این موضوع نقش مهمی در توافق نسبی زن و شوهر در پذیرش باورهای یکدیگر و مشارکت و همراهی در فعالیت‌های مشترک و ابراز محبت به یکدیگر دارد (مین^۱، ۲۰۱۶ به نقل از فردوسی، ۱۳۹۷).

با توجه به آن چه گفته شد، روابط فرازناشویی یکی از دلایل عمده طلاق و از هم پاشیدن ازدواج است (هدایتی دانا و صابری، ۱۳۹۳). همچنین جامعه سالانه هزینه‌های زیادی به منظور دست و پنجه نرم کردن با مشکلات یاد شده متحمل خواهد شد. لذا انجام مطالعات لازم در راستای شناسایی عوامل تعیین کننده روابط فرازناشویی و ارائه راهکارهایی در جهت سلامت روابط زوجین می‌تواند شواهدی را به دست دهد که با تکیه بر آن‌ها و مورد هدف قرار دادن آن در همان ابتدا ریشه برخی از مشکلات را بخشکاند. از این رو سوالی که وجود دارد این است که آیا مدل مفهومی مفروض اولیه ارتباط بین صمیمیت زناشویی با نگرش به روابط فرازناشویی و نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی با مدل تدوین شده تجربی برازش دارد؟

در پژوهش حاضر با توجه به حساسیت و پیچیدگی مساله و اهمیت تبیین و اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و همچنین فقدان شواهد پژوهشی در مورد ارتباط نگرش افراد به روابط فرازناشویی با عوامل دیگر این سوال مطرح می‌شود که آیا سبک‌های دلبستگی مستقیماً با نگرش به خیانت زناشویی رابطه دارند یا از طریق اثرگذاری بر صمیمیت زناشویی چنین رابطه‌ای شکل می‌گیرد و این که چگونه صمیمیت زناشویی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت زناشویی را میانجی خواهد کرد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی - توصیفی بود. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت‌اند از: داشتن تحصیلات حداقل دیپلم، سکونت در تهران، تاهل (بودن در ازدواج اول)،

رسمی و دائمی و زندگی با هم در یک خانه)، پرکردن رضایت‌نامه کتبی شرکت در پژوهش و قرار داشتن در محدوده سنی ۱۸ تا ۷۰ سال و ملاک‌های خروج پاسخ ندادن به بیش از ۱۰ درصد از هر پرسشنامه است. تعداد ۷۵۰ نفر متاهل به عنوان گروه نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس^۱ و با مراجعه به مکان‌هایی از قبیل دانشگاه‌ها، مدارس، ادارات، فرهنگسراها و پارک‌ها انتخاب شدند و پژوهشگر پس از تکثیر پرسشنامه‌ها و پس از کسب رضایت کتبی از افراد متاهل با توجه به ملاک‌های ورود در پژوهش در مورد تکمیل پرسشنامه‌ها توسط آزمودنی‌ها تکمیل گردید. با توجه به ملاک‌های خروج از پژوهش ۱۰۰ پرسشنامه فاقد اعتبار تشخیص داده شدند و از مطالعه حذف شدند و در نهایت ۶۵۰ پرسشنامه با مراحل ذکر شده تجدید و تحلیل شدند.

ابزار پژوهش

الف- پرسشنامه نگرش نسبت به روابط فرازنشویی (خیانت): این مقیاس توسط مارک واتلی^۲ (۲۰۰۶) تهیه شده است. این مقیاس دارای ۱۲ عبارت است که هر سوال در طیف هفت‌گانه از بسیار موافق تا بسیار مخالف است. نمره‌های بالاتر در این مقیاس نشان دهنده نگرش مثبت بیشتری به روابط فرازنشویی است. عبارت‌ها شامل جملاتی راجع به احساسات و تفکر مثبت افراد نسبت به مقوله خیانت است و هدف از این سنجش نوع احساسات و تفکر افراد نسبت به مسائل مربوط به خیانت زناشویی است و در واقع این مقیاس مقدار تمایل، میزان پذیرندگی و یا ردکنندگی خیانت را از دید افراد مختلف می‌سنجد. یافته‌های پژوهش مارک واتلی (۲۰۰۶) حاکی از پایایی مطلوب این نگرش سنج است، به طوری که آلفای کرونباخ حاصل از ضریب همسانی درونی ۰/۸ سنجیده شده است. برای سنجش پایایی این مقیاس نگرش به روابط فرازنشویی ۰/۷۱ برآورد

1. Convenience sampling

2. Mark Whatley

شده است. ضریب بازآزمایی حاصل از اجرای این آزمون نیز ۰/۸۷ / سنجیده شده است (علی تبار، قنبری، علی زاده و حبیبی، ۱۳۹۳). همچنین در جهت بررسی روایی این آزمون، از روایی ملاکی (واگرا) استفاده شده است. به همین منظور، پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت به کار گرفته شد. روایی واگرا با جهت‌گیری مذهبی درونی، ۰/۲۹ و با جهت‌گیری مذهبی بیرونی ۰/۱۶ به دست آمد (علی تبار و همکاران، ۱۳۹۳).

ب- پرسشنامه سبک‌های دلبستگی (RAAS): این مقیاس شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خودتوصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ داده می‌باشد که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از نوع لیکرت) که از؛ به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد (۱)، تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد (۵)، تشکیل می‌گردد، سنجیده می‌شود. برپایه توصیف‌های که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور^۱ (۱۹۸۷) در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، مواد پرسشنامه کالینزورید^۲ (۱۹۹۰) طراحی شده است. کالینزورید (۱۹۹۰)، نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن (C)، وابستگی (D) و اضطراب (A) در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار ماندند و در مورد قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگسال کالینزورید میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیرمقیاس این پرسشنامه در ۳ نمونه از دانشجویان به صورت زیر گزارش دادند. با توجه به این مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است، آزمون از پایایی بالایی برخوردار است (کالینزورید، ۱۹۹۰، به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۵). از سوی دیگر در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۵) میزان پایایی آزمون با استفاده از آزمون مجدد به صورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص شده است. این پرسشنامه (RAAS) در مورد ۱۰۰ دختر و پسر کلاس دوم دبیرستان که به

1. Hzana& Shaver

2. Collins & Read

صورت تصادفی انتخاب شده بودند اجرا گردید. نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیابانگران بود که این آزمون در سطح ۹۵/۰ دارای پایایی برخوردار است. همچنین وی روایی سازه این پرسشنامه را در پایایی نامه دکتری خود نیز بررسی کرده است. روایی سازه با استفاده از روایی واگرا در سطح معناداری ۰/۰۰۱ برای مقیاس اضطراب و نزدیکی به ترتیب ۰/۳۱۳- و ۰/۳۳۶- می باشد و ضریب همبستگی بین زیرمقیاس‌های نزدیکی و وابستگی در سطح معناداری ۰/۰۱۴ مقدار ۰/۲۴۶ به دست آمد (پاکدامن، ۱۳۸۵).

ج- پرسشنامه‌ی صمیمیت زناشویی^۱ (MIS): این مقیاس توسط تامپسون و والکر^۲ (۲۰۰۲) ساخته شده که ۱۷ سوال دارد و برای سنجیدن میزان صمیمیت زوج‌ها تنظیم شده است. نمره آزمودنی در این پرسشنامه از طریق جمع نمرات سوالات و تقسیم بر عدد ۱۷ حاصل می‌شود. دامنه بین ۱ تا ۷ که نمره بالاتر نشانه صمیمیت بیشتر است. این مقیاس توسط اعتمادی، نوابی نژاد، احمدی و فرزاد (۱۳۸۵) برای تعیین میزان پایایی مورد ارزیابی قرار گرفته است. برای تعیین روایی محتوی و صوری ابتدا پرسشنامه توسط ۱۵ نفر از اساتید مشاوره و ۱۵ نفر زوج بررسی شده و روایی صوری و محتوی آن تایید شد، همچنین با بررسی بر روی ۱۰۰ زن و شوهر در شهر اصفهان ضریب پایایی کل مقیاس را با روش آلفای کرونباخ ۹۶/۰ به دست آورد (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۵) و همچنین خزاعی (۱۳۸۶) در پایان نامه دکتری خود از طریق اجرای همزمان با پرسشنامه باگاروزی و برآورد ضریب همبستگی آن‌ها ۸۲٪ محاسبه کرده است و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود که نشان دهنده روایی ملاکی برای این مقیاس است و پایایی کل مقیاس را ۸۵/۰ به دست آورد (خزاعی، ۱۳۸۶).

1. Marital Intimacy Scale

2. Thompson & Walker

یافته‌ها

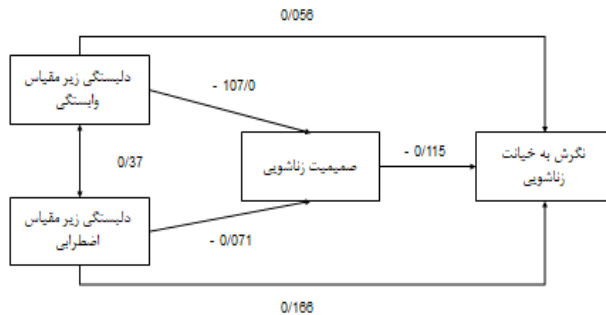
نمونه آماری این پژوهش بعد از حذف پرسشنامه‌های ناقص ۶۵۰ نفر شامل ۳۵۷ زن و ۲۹۳ مرد بود. در جدول شماره ۱ میانگین و انحراف معیار این آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش به همراه ماتریس همبستگی ارائه گردیده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار به همراه ماتریس همبستگی بین متغیرها

میانگین	انحراف معیار	مقیاس مقیاس مقیاس	مقیاس مقیاس مقیاس	مقیاس مقیاس مقیاس	مقیاس مقیاس مقیاس	مقیاس مقیاس مقیاس
میانگین	معیار	نزدیکی	وابستگی	اضطرابی	زناشویی	نگرش به خیانت
مقیاس نزدیکی	۱۸/۳۳	۳/۹۸	۱			
مقیاس وابستگی	۱۷/۲۳	۳/۹۷	۰/۳۴۵**	۱		
مقیاس اضطرابی	۲۰/۳۵	۴/۹۰	۰/۴۲۰**	۰/۳۷۴**	۱	
صمیمیت زناشویی	۹۴/۸۹	۲۳/۰۰	۰/۰۴۰	۰/۸۴*	۰/۱۷۵**	۱
نگرش به خیانت	۴۹/۷۲	۶/۶۵	۰/۰۷۱	۰/۱۸۲**	۰/۱۵۲**	۰/۱۸۳**

همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی دار است **همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی دار است

همان‌طور که نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد به جز ارتباط بین بعد نزدیکی متغیر سبک دلبستگی با صمیمیت زناشویی و نگرش به خیانت زناشویی، سایر همبستگی بین متغیرها معنادار می‌باشد. در شکل ۱ با استفاده از آزمون تحلیل مسیر به بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها پرداخته می‌شود.



شکل ۱. مدل نهایی ارتباط بین زیرمقیاس هاس دل‌بستگی، صمیمیت زناشویی و نگرش به خیانت زناشویی

همچنین نتایج جدول شماره ۲ و ۳ به ترتیب برآوردها و اثرات برازش را نشان می‌دهد. بررسی ضرایب مسیر و مقادیر استاندارد شده آنها و همچنین کمیت‌های T مربوط به آنها نشان داد که اثر مستقیم ابعاد سبک دل‌بستگی اضطرابی و بعد وابستگی سبک دل‌بستگی بر صمیمیت زناشویی معنادار است. همچنین اثر مستقیم صمیمیت زناشویی بر نگرش به خیانت زناشویی معنادار است. همچنین اثر غیرمستقیم سبک دل‌بستگی اضطرابی و بعد وابستگی متغیر سبک دل‌بستگی بر نگرش به خیانت زناشویی معنادار است.

جدول ۲. برآوردها و مشخصات کلی مدل

مسیرها	برآورد غیراستاندارد	خطای معیار	T	سطح معناداری
مقیاس وابستگی <--- صمیمیت زناشویی	۰/۴۶۶	۰/۱۷۴	۲/۶۷۵	۰/۰۰۷
مقیاس اضطرابی <--- صمیمیت زناشویی	-۰/۵۵۰	۰/۱۵۹	۳/۴۵۷	۰/۰۰۱
صمیمیت زناشویی <--- نگرش به خیانت	-۰/۳۴۵	۰/۱۰۷	۳/۲۲۸	۰/۰۰۱
مقیاس وابستگی <--- صمیمیت زناشویی	۰/۴۶۶	۰/۱۷۴	۲/۶۷۵	۰/۰۰۷

جدول ۳. اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل بین متغیرهای مدل

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
دلبستگی اضطرابی <---	۰/۱۶۶	۰/۰۲۷	۰/۱۹۳
صمیمیت زناشویی <---	-۰/۱۱۵	-	-۰/۱۱۵
مقیاس وابستگی <---	-	-۰/۱۰۷	-۰/۱۰۷
مقیاس وابستگی <---	-	۰/۰۵۶	۰/۰۵۶
دلبستگی اضطرابی <---	-	-۰/۰۷۱	۰/۰۷۱

سبک‌های دلبستگی به طور مستقیم نگرش به خیانت زناشویی را پیش بینی می‌کند. براساس نتایج تحلیل مسیر فقط سبک دلبستگی در زیرمقیاس اضطرابی می‌تواند به طور معناداری نگرش به خیانت زناشویی را به طور مستقیم پیش بینی کند (دلبستگی اضطرابی ۰/۱۶۶: نگرش به خیانت زناشویی). همچنین صمیمیت زناشویی به طور مستقیم نگرش به خیانت زناشویی را پیش بینی می‌کند (صمیمیت زناشویی ۰/۱۱۵-: نگرش به خیانت زناشویی).

در جدول شماره ۴ شاخص‌های برازش ارائه شده است. بررسی شاخص‌های نیکویی برازش مدل در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که مقادیر خوبی دو با توجه به درجات آزادی معنادار می‌باشد. همچنین شاخص برازش افزایشی (IFI) ۰/۹۸ و شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) ۰/۹۸ است، این شاخص‌ها برای مدل‌های خوب ۰/۹۰ یا بالاتر است و بنابراین در این مدل قابل قبول می‌باشد. شاخص برازش مقتصد هنجار شده (PNFI) برای مدل ۰/۶۶ می‌باشد که مقدار بزرگتر از ۰/۵۰ قابل قبول می‌باشد. همچنین ریشه میانگین مجذورات خطای برآورد (RSMEA) برای مدل ۰/۰۷ است. این شاخص برای

مدل‌های خوب کمتر از ۰/۰۵، برای مدل‌های قابل قبول بین ۰/۰۵ و ۰/۰۸ می‌باشد و بنابراین برای مدل حاضر قابل قبول است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

ردیف	نام شاخص به فارسی	علامت اختصاری	مقدار محاسبه شده	مقدار قابل قبول	نتیجه
۱	کای اسکور	X^2	۴/۲۰۴	معنادار نباشد	غیر قابل قبول
۲	کای اسکور/ درجه آزادی	$\frac{X^2}{DF}$	۴/۲۰۴	کمتر از ۵	قابل قبول
۳	شاخص برازش افزایشی	IFI	۰/۹۸	بزرگتر از ۰/۹۰	قابل قبول
۴	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۸	بزرگتر از ۰/۹۰	قابل قبول
۵	شاخص برازش مقتصد هنجار شده	PNFI	۰/۶۶۳	بزرگتر از ۰/۵۰	قابل قبول
۶	ریشه میانگین مجذورات خطای برآورد	RAMSEA	۰/۰۷	زیر ۰/۰۵ خوب	قابل قبول

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد به جز بعد نزدیکی در متغیر سبک دلبستگی سایر ابعاد سبک دلبستگی (بعد اضطرابی و بعد وابستگی) با صمیمیت زناشویی و نگرش به خیانت زناشویی ارتباط معنادار دارد. این رابطه معنادار بین سبک دلبستگی اضطرابی با نگرش به خیانت زناشویی به صورت مستقیم و غیر مستقیم و با صمیمیت زناشویی به صورت غیرمستقیم می‌باشد. پژوهش‌های همسوز نیز نتایج تحقیق را مورد حمایت قرار می‌دهند، عبدی، خوش کنش، پورابراهیم و محمدی (۱۳۹۱) بین سبک دلبستگی اضطرابی با خیانت اینترنتی رابطه معنادار یافتند. خوارزمی (۱۳۹۰) اشاره به معناداری رابطه سبک دلبستگی اضطرابی با میزان رابطه خارج از زناشویی کرده و رضایی (۱۳۹۰) بیان کرد سبک دلبستگی نایمن با بعد اضطرابی در تمایل به روابط فرازناشویی ارتباط

معنادار دارد و بالاخره نتیجه تحقیق حمیدی (۱۳۸۶) حاکی از این است که دانشجویان دارای سبک ناایمن دلبستگی اضطرابی میزان رضایت مندی زناشویی کمتری نسبت به سبک ایمن دارند. آلن و باکلوم^۱ (۲۰۱۴) در بررسی پژوهشی خود اعلام کردند که افراد با سبک دلبستگی اضطرابی انگیزه بیشتری برای خیانت زناشویی بروز می‌دهند. در جهت تبیین این یافته می‌توان گفت این افراد به دلیل چسبندگی و مضطرب بودن در رابطه مطمئن نیستند که مورد عشق و علاقه دیگران هستند، لذا روابط غیرواقع بینانه و غیرمنطقی با دیگران برقرار می‌کنند از این رو ابعاد سه‌گانه عشق استرنبرگ (میل، صمیمیت و تعهد) به صورت متوازن شکل نمی‌گیرد. بنابراین بدیهی است سطح بالای اضطراب و نگرانی از طرد شدن در این افراد و میل به تنها بودن در روابط منجر به پاسخ‌های مختل در روابط عاطفی گردد (حسینی، علوی لنگرودی، ۱۳۹۶). بنابراین افراد با سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی به دلیل خودپنداره ضعیف قادر به برقراری رابطه صمیمی و عمیق با دیگران نیستند به همین دلیل به هنگام بروز تعارضات زناشویی به جای حل منطقی این اختلافات درگیر عنصرسومی خارج از چهارچوب روابط زناشویی می‌شوند. بنابراین روشن است نگرش مثبت این افراد به روابط خارج از چهارچوب خانواده بیشتر از سبک‌های دیگر دلبستگی باشد.

نتایج این پژوهش در قالب مدل نشان داد که سبک دلبستگی در زیرمقیاس وابستگی نمی‌تواند به طور مستقیم صمیمیت زناشویی و نگرش به خیانت زناشویی را پیش‌بینی کنند. اما این سبک دلبستگی به طور غیرمستقیم پیش‌بینی‌کننده نگرش به خیانت زناشویی است، همچنین بر کاهش صمیمیت زناشویی به صورت غیرمستقیم اثر می‌گذارد. این یافته با مطالعات فرخی، معتمدی، سهرابی، هادی، اسکندری (۱۳۹۵) که نشان دادند زنان دارای سبک دلبستگی ناایمن در بعد وابستگی نگرش

مثبتی به رابطه فرازناشویی دارند همسو است. همچنین مطالعه فریکرو موره^۱ (۲۰۱۲) نشان داد که افرادی که سبک دلبستگی آن‌ها نایمن در زیرمقیاس وابستگی بودند بیشتر به دنبال جایگزین در رابطه زناشویی بوده و تعهد کمتری در رابطه داشتند و رابطه صمیمی کمتری ابراز می‌کردند و بیشتر درگیر رابطه‌ی فرازناشویی می‌شدند و برعکس آن‌هایی که سبک دلبستگی ایمن در بعد وابستگی داشتند، کمتر درگیر رابطه‌ی فرازناشویی می‌شدند و از صمیمیت بیشتری در رابطه برخوردار بودند. در تبیین این یافته می‌توان گفت دلبستگی نایمن در زیرمقیاس وابستگی در زوجین باعث می‌شود که فرد از عدم تعادل در احساسات و تعارضات برخوردار باشد و از آنجا که دلبستگی برای رشد سالم اهمیت حیاتی دارد، لذا این افراد در طول تعارضاتشان با سایر افراد خصوصاً همسر رفتارهای منفی زیادی از خود نشان می‌دهند. در نتیجه افرادی که دارای رفتارهای منفی و عدم تعادل هستند رضایت و آرامش کمتری دارند. از آنجا که افراد نایمن در این زیرمقیاس دارای ویژگی درگیر شدن بیش از حد در روابط صمیمانه برای وابستگی به دیگران برای احساس ارزشمندی هستند تعهد زناشویی خود را زیر پا خواهند گذاشت. چنان‌که بررسی‌ها نشان دادند رابطه فرازناشویی به افرادی که در مجاز شمردن خود برای نزدیکی عاطفی و گشودگی به شریک اصلی خود مشکل دارند، اجازه می‌دهد تا آزادی بیشتری احساس کرده و در انجام آن با جفت فرازناشویی خود گشوده‌تر باشند (براون^۲، ۲۰۰۷). بنابراین با داشتن سبک دلبستگی نایمن در بعد وابستگی آشفته به صورت غیرمستقیم طبیعی به نظر می‌رسد فرد تعهد زناشویی خود را زیر پا بگذارد و نگرش مثبتی به عهدشکنی داشته باشد.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد اثر مستقیم صمیمیت زناشویی بر نگرش به خیانت زناشویی معنادار است. این یافته با مطالعه کوهن (۲۰۰۵) که نشان داد احتمال ارتکاب خیانت زناشویی در روابطی که زوجین نسبت به یکدیگر صمیمیت بیشتری

1. Fricker, J. S, Moore, M. A.

2. Brown, E.M

دارند کمتر از زوجینی است که صمیمیت کمتری در روابط رمانتیک دارند. همچنین تقی یار و پهلوان زاده (۱۳۹۳) نشان دادند که بین تعهد زناشویی با صمیمیت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در راستای تبیین این یافته می‌توان گفت که طبق نظریه سه گانه عشق استرنبرگ (۱۹۸۶) صمیمیت بخشی از عشق به وصال رسیده است که شامل تعهد و اشتیاق و علاقه شدید می‌شود. این سه ویژگی از صمیمیت زناشویی ارتباط تنگاتنگی با نگرش افراد به خیانت خواهد داشت. چرا که وقتی می‌گوییم صمیمیت زناشویی زوجین بالاست در واقع بر این باوریم که آن‌ها اولاً به یکدیگر متعهد هستند. ثانیاً فرض بر این است که زوجین صمیمی اشتیاق و علاقه شدیدی به یکدیگر دارند (استرنبرگ، ۱۹۸۶). از طرفی عدم ارضاء صمیمیت می‌تواند موجب افزایش تعارضات، کاهش رضایت زناشویی و بروز مشکلات عاطفی و روانی و در نتیجه نگرش مثبت به خیانت زناشویی گردد (باگاروزی، ۲۰۰۸).

بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در یک ازدواج، سبک دلبستگی افراد و میزان صمیمیت زناشویی آن‌ها تاثیر فراوانی بر نگرش آنان به روابط فرازناشویی دارد. بنابراین با توجه به اهمیت شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی در خانواده پیشنهاد می‌شود، برنامه‌ریزی جامعی در راستای تغییر سبک‌های دلبستگی ناایمن کودکان از سنین کودکی و آموزش والدین تحت نظارت کارشناسان در زمینه افزایش صمیمیت زناشویی و مهارت‌آموزی فرزندپروری قبل از والد شدن در جهت یادگیری اصول صحیح تربیتی و تعامل مناسب با فرزند صورت پذیرد تا با پیشگیری به هنگام کم هزینه از شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی بعدی جلوگیری کرد. همچنین پیشنهاد می‌شود در مشاوره‌های قبل از ازدواج، مشاوره خانواده و مشاوره‌های فردی برای شناسایی افراد در معرض خطر روابط فرازناشویی استفاده کرد. از این‌رو از طریق مشاوران، روان‌شناسان و رسانه‌های ارتباطی با آگاهی بخشی به خانواده‌ها و با بالابردن سطح اطلاعات افراد، از بروز ارتباطات ناسالم بین فردی و نارضایتی زناشویی در آینده

پیشگیری کرد و پیشنهاد می‌شود درمانگران خانواده در بحث ارتقاء سلامت زندگی زوجین راهکارهایی در جهت کاهش آسیب‌هایی که سلامت خانواده را به مخاطره می‌اندازد ارائه نمایند. محدودیت‌هایی پژوهش حاضر عبارت بود از؛ روش نمونه‌گیری در دسترس که نمونه ممکن بود معرف کاملی از جامعه آماری نباشد و همچنین از آنجا که موضوع پژوهش یکی از موضوعات بسیار چالش برانگیز در سطح جامعه به شمار می‌آید و از تابوهای جامعه می‌باشد می‌توانست صداقت در پاسخگویی به پرسشنامه‌ها را زیر سؤال ببرد. از این رو به دلیل مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه و قوانین جامعه‌ی اسلامی، مخاطبین از ابراز واقعیت‌ها طفره رفته و تمایلی به ابراز واقعیت نداشتند. یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش، تحقیقات اندکی می‌باشد، که به طور اخص در زمینه روابط فرازنشویی و بررسی ابعاد آن پرداخته است، بنابراین امکان مقایسه نتایج تحقیق با سایر تحقیقات داخلی را با مشکل روبرو کرد.

منابع

- ابوالقاسمی، ع؛ فتوحی، س. (۱۳۹۵). رابطه ابعاد شخصیت و سازگاری زناشویی زوجین: بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های عشق و ورزی، فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۱ (۳۵)، ۴۱-۶۰.
- استرنبرگ، ر. جی. (۱۹۸۶). قصه عشق نگرشی تازه به روابط زن و مرد. ترجمه بهرامی علی، تهران: انتشارات جوانه رشد.
- اعتمادی، ع؛ نوایی‌نژاد، ش؛ احمدی، ا؛ فرزاد، و. الف. (۱۳۸۵). بررسی تاثیر زوج درمانی به شیوه ایماگوتراپی بر افزایش صمیمیت زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر اصفهان، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۵ (۱۹)، ۹-۲۲.
- بیرامی، م. فهیمی، ص. اکبری، الف. امیری پیچاکلایی، الف. (۱۳۹۱). نقش تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی در پیش بینی رضایت زناشویی، مجله دانش روان‌شناختی، ۱ (۴)، ۶۸-۷۸.
- پاکدامن، ش. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانی، پایان‌نامه دکترای روان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- تقی یار، ز؛ پهلوان‌زاده، ف. (۱۳۹۳). بررسی رابطه تعهد زناشویی و سبک‌های عشق و ورزی با صمیمیت زناشویی، همایش ملی تحکیم بنیان خانواده و نقش زن، تهران: موسسه نیروی تدبیر ایرانیان.
- خزاعی، س. (۱۳۸۶). بررسی تاثیر آموزش تمایز یافتگی بر میزان صمیمیت و سطح تمایز یافتگی زوج‌ها، پایان‌نامه

دکتری دانشگاه تربیت معلم تهران.

خوارزمی، س. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی با گرایش به روابط خارج از ازدواج زنان شاغل بندرعباس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه هرمزگان واحد بین‌الملل.

حسینی، ف؛ علوی لنگرودی، ک. (۱۳۹۶). نقش سبک‌های دلبستگی و رضایت جنسی در رضایت زناشویی با واسطه‌گری عشق‌ورزی؛ فصلنامه *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۵ (۳)، ۱۶۵-۱۸۸.

حمیدی، ف. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین سبک دلبستگی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری. فصلنامه *خانواده پژوهشی*، ۳ (۹)، ۴۵-۵۸.

رضایی، م. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ویژگی شخصیت، سبک دلبستگی با تمایل به روابط فرازناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

عبدی، م. خوش‌کنش، الف. تقی‌پور، الف. محمدی، ر. (۱۳۹۱). بررسی سبک دلبستگی و رضایت زناشویی افراد متأهل درگیر خیانت اینترنتی؛ *مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی الزهرا*، ۸ (۳)، ۱۳۵-۱۵۸.

علی‌تبار، ه. قنبری، س. علی‌زاده، م. حبیبی، م. (۱۳۹۳). بررسی روایی و پایایی مقیاس نگرش به روابط فرازناشویی؛ فصلنامه *خانواده‌پژوهی*، ۱۰ (۳۸)، ۲۵۵-۲۶۷.

فردوسی، س. (۱۳۹۷). پیش‌بینی نگرش به خیانت زناشویی براساس رفتار دلبستگی در روابط زناشویی، کیفیت روابط زناشویی و سبک‌های دلبستگی در زنان متأهل؛ *دو فصلنامه روان‌شناسی معاصر*، ۱۳ (۲)، ۱۴۹-۱۵۷.

فرخی، ن؛ معتمدی، ع؛ سهرابی، ف؛ اسکندری، ح؛ هادی، س. (۱۳۹۵). رابطه سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی در افراد مرتکب بی‌وفایی زناشویی؛ *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۵ (۱۱)، ۴۳-۵۸.

مدرسی، ف؛ زاهدیان، ح؛ هاشمی محمدآباد، ن. (۱۳۹۲). میزان سازگاری زناشویی و کیفیت عشق در متقاضیان طلاق دارای سابقه خیانت زناشویی و فاقد سابقه خیانت زناشویی. *مجله/ارمغان دانش دانشگاه علوم پزشکی یاسوج*، ۱۹ (۱)، ۷۸-۸۸.

نوایی، ح؛ محمدی آریا، ع. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط طوطر حواره‌های اولیه ناسازگار با توجیه روابط فرازناشویی در میان افراد متأهل. *نشریه روان‌پرستاری*، ۳ (۴)، ۱۸-۲۷.

هدایتی دانا، س. صابری، ه. (۱۳۹۳). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، تعهد و میل) و اضطراب؛ *خانواده پژوهی*، ۱۰ (۴)، ۵۱۱-۵۲۷.

Allen, E. S, Baucom, D. H. (2014). Adult attachment and patterns of extra dyadic involvement. *Family Process*; 43 (4), 467-488.

Bagarozzi, A, D. (2008). *Enhancing intimacy in marriage: A clinician's handbook*. Brunner-Routledge.

Brown, E.M. (2007). *Patterns of infidelity and their treatment*. New York: Brunner mazel.

Cohen, A. B. (2005). *The relation of attachment to infidelity in romantic relationship: an exploration of attachment style, perception of partner's*

- attachment style, relationship satisfaction, and relationship quality and gender differences in sexual behaviors. Institute of advanced psychological studies, Adelphi University.
- Fricker, J. S, Moore, M. A. (2012). Relationship satisfaction: The role of love styles and attachment styles. *Current Research in Social Psychology*; 7 (11), 182-204.
- Jeanfreau, M. M. (2009). A qualitative study investigating the decision –making process of women, participation in marital infidelity. Kansas stateuniversity.
- TenHouten. D. W. (2007). *A General Theory of Emotions and Social Life*.
- Taniguchi, S. T, Freeman, P. A, Taylor, S, Malcarne, B. (2016). A study of married couple’s perception of marital satisfaction in outdoor recreation. *Journal of Experiential Education*; 28, 253-256.
- Umemua, T. Lacinova, L. Kotrocova, K. Fraley, R.C. (2018). Similarities and differences regarding changes in attachment preferences and attachment styles in relation to romantic relationship length: longitudinal and concurrent analyses. *Attachment & Human development*; 20 (2), 135-159.
- Zandbergen, D. L. Brown, S. G. (2015). Culture and gender differences in romantic Jealousy. *Personality and Individual Differences*; 72 (15), 122–127.